

# فرهنگ سیاسی و سیاست خارجی

---

مهدی خلجی

## گفتار نخست

---

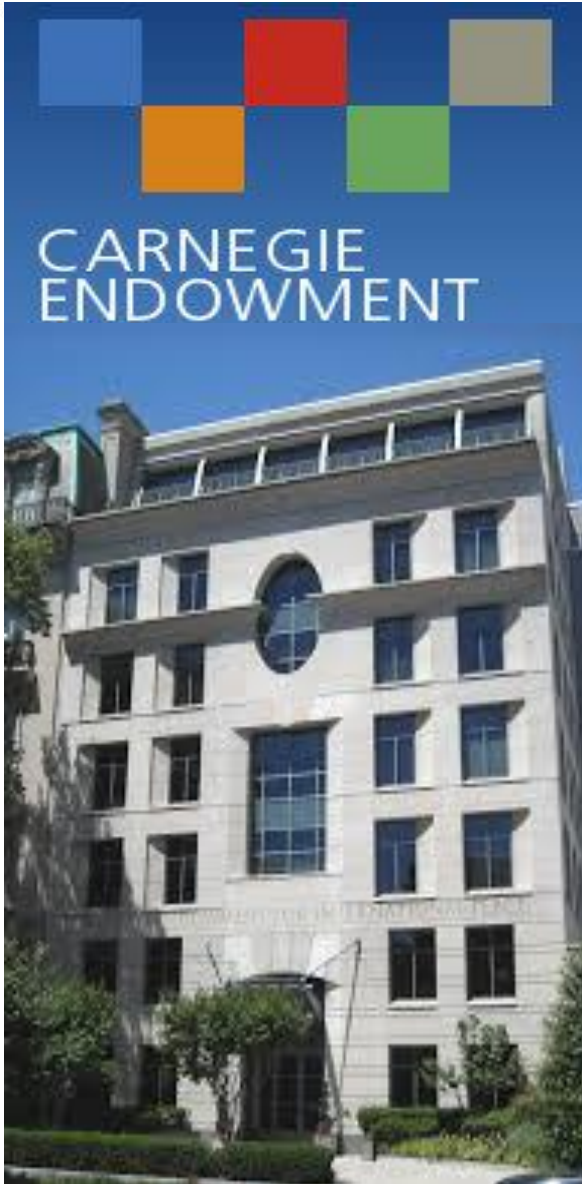
فرهنگ سیاسی، جامعه و حکومت

سخنی کوتاه

---

**بنیادهای مطالعات استراتژیک**

**Think Tanks**



- مرکز مطالعاتِ استراتژیک یا تینک تنک، نهادی پژوهشی است که بر مطالعاتِ استراتژیک در زمینه‌های گوناگون، از محیط زیست تا سیاست خارجی تمرکز دارد و هدف آن تعمیق مبانی سیاست‌گذاری و نیز اثرنهادن بر تصمیم‌گیران در دولت و پارلمان (کنگره) است.

- در آمریکا برخی از این مراکز دولتی، شماری دیگر وابسته به شرکت‌های تجاری و ده‌ها مرکز دیگر نیز، غیرانتفاعی و وابسته به منابع شخصی هستند. در آمریکا، کمک مالی به مراکز غیرانتفاعی مزیت برخورداری از معافیت مالیاتی به همراه می‌آورد.

- دانش و توانایی فکری، شناخت دستگاه تصمیم‌گیری و گرایش سیاسی پژوهش‌گران ملاک‌های اصلی کار در این مراکز هستند نه شهروندی کشوری خاص.

- کار اصلی این مراکز، پژوهش و تحلیل درباره‌ی مسائلی است که در اولویت تصمیم‌گیری دولت‌هاست یا گمان می‌رود توجه دولت به آن‌ها ضروری و مهم است.

- به دست دادن بافتار تاریخی، پیش‌بینی پیامدهای درازمدت سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در چارچوب منافع ملی دولت‌ها از مهمترین کارکردهای این سنخ پژوهش‌ها و تحلیل‌هاست.



منابع پژوهش مراکز غیرانتفاعی،  
عمومی و غیرمحرمانه

(Open-source intelligence )  
است و حاصل پژوهش‌های آن‌ها به  
طور عمومی منتشر می‌شود.

## منافع ملی

قوانین و تصمیم‌های سیاسی و حقوقی که زندگی عمومی را نظم و سامان می‌دهند باید منافع همه‌ی اشخاص تحت حاکمیت دولت را تأمین کنند و برای آن‌ها توجیه‌شدنی و پذیرفتنی باشند.

### در نظام دموکراتیک

- منافع ملی را نهادهای دموکراتیک تعریف می‌کنند.
- منافع ملی باید فراگیر باشند و منافع همه‌ی شهروندان و ساکنان یک کشور را دربرگیرند.
- نقد و مخالفت با دولت از منظر منافع ملی موجه و پذیرفته است. مخالفت با دولت یا نظام سیاسی، خیانت به وطن یا ملت نیست.
- منافع ملی، مفهومی سیال است و موضوع گفت‌وگوی همگانی در قلمرو عمومی.

### در حکومت غیردموکراتیک

- منافع ملی به «مصلحت نظام» تحول می‌یابد.
- تشخیص منافع ملی با اشخاص / اقتدارهای غیردموکراتیک است.
- حکومت خود را با کشور یکی نشان می‌دهد و مخالف حکومت، خیانت‌کار به ملت – کشور و انموده می‌شود.
- در غیاب آزادی احزاب، رسانه‌ها، جامعه‌ی مدنی و دستگاه قضائی مستقل، منافع ملی، به موضوع بحثی همگانی در قلمرو عمومی بدل نمی‌شود.

# شهر وندی ایالات متحده آمریکا

## سوگند سرسپاری (Oath of Allegiance) شهروند ایالات متحدهی آمریکا

«بدین وسیله من سوگند یاد می‌کنم که از هر گونه سرسپاری و وفاداری به هر شاهزاده، فرمان‌روا، دولت یا حاکمیتی انصراف دهم؛ به ویژه ... که تا کنون رعیت (یا شهروند) آن بوده‌ام؛ که از قانون اساسی و قوانین ایالات متحدهی آمریکا پشتیبانی و در برابر هرگونه دشمن داخلی و خارجی دفاع کنم؛ که [به قانون اساسی و قوانین ایالات متحدهی آمریکا] ایمانی صادقانه و سرسپاری داشته باشم؛ که این تعهد را بدون هیچ شک و احتیاط ذهنی یا قصد طفره و گریز می‌پذیرم. خدا مرا یاری کند.»

# مفهوم شهروندی آمریکا و تمایز آن با شهروندی کشورهای دیگر



هانا آرننت؛ اندیشمند سیاسی آلمانی  
(1975-1906)

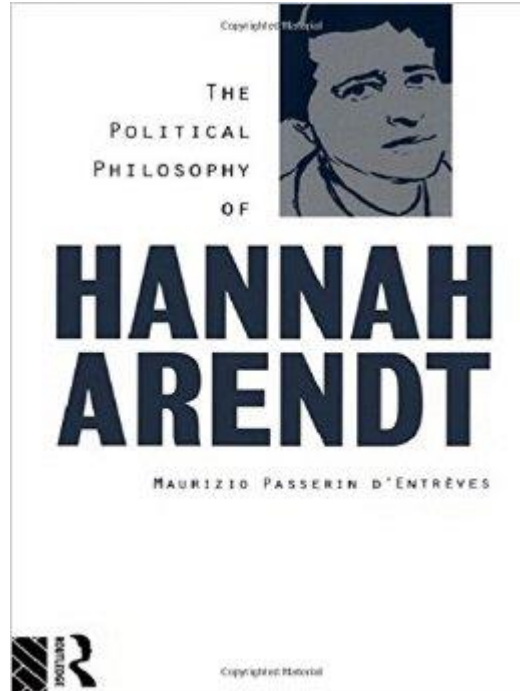
- شهروند آمریکا شدن با شهروند دیگر کشورها شدن تفاوتی ماهوی دارد. آمریکا ملت-دولت، به معنای اروپایی آن نیست. آمریکایی اصیل وجود ندارد. آمریکاییان اصیل همان سرخ‌پوستان‌اند. آنچه هست شهروندان آمریکایی است. آمریکاییان متحد شده‌اند، نه بر پایه‌ی میراث؛ خاطره‌ها، زبان، روح و ریشه‌ی مشترک. در آمریکا هر فرد صرفاً با پذیرش قانون اساسی شهروند می‌شود. قانون اساسی در فرانسه یا آلمان کلماتی بر کاغذ است که می‌شود آن را تغییر داد، ولی در آمریکا سندی مقدس است، یادگار کنشی مقدس؛ کنش بنیادگذاری ایالات متحده. خاطره‌ی این رویداد می‌تواند افراد و گروه‌ها را با بیشترین اختلاف‌ها با یکدیگر متحد کند.

Hannah Arendt, interviewed by Roger Errera, October 1973



## هانا آرننت

شهروندی، قلمرو عمومی، منافع عمومی، عاملیت سیاسی، هویت جمعی و فرهنگ سیاسی



منافع عمومی در برابر منافع خصوصی:

فعالیت سیاسی، ابزاری برای دستیابی به هدفی نیست؛ بلکه خود هدف است.

«خیر عمومی» که به شهروند ارتباط دارد، منفعت عمومی است، زیرا در «جهان»ی جای دارد که میان شهروندان مشترک است، بدون آن که مالک آن باشند. معمولاً خلاف آن چیزی است که ما در زندگی خصوصی برای خودمان خیر می‌دانیم. عدالت بی‌طرفانه خیر عمومی است، ولی با منافع شخصی ناسازگار است.



قلمرو عمومی جایی است که شهروند می‌تواند به طور جدی در مقام شهروند فعال باشد. ایجاد یا احیای قلمرو عمومی بستگی به ایجاد یا احیای جهان مشترک دارد؛ یعنی غلبه بر بیگانگی با جهان، و نیز فضاهای گوناگونی که فرد در آن بتواند در برابر دیگران هویت واقعی خود را آشکارا فاش کند و با دیگران همبستگی داشته باشد. دو عنصر قلمرو عمومی: 1) جهانی که میان ما مشترک است 2) فضای آشکار شدن (دیدن و شنیده شدن)

**قلمرو عمومی** یعنی فضای آشکارگی که امر عمومی پرتو می‌افشاند و آن را برای همگان رؤیت‌پذیر می‌کند؛ امری که برای تثبیت هویت‌های عمومی ما و به رسمیت‌شناختن واقعیت مشترک و ارزیابی کنش‌های ما و دیگران ضرورت دارد.

از آن‌جا که زندگی سیاسی طبیعی نیست و مصنوعی است، ایده‌ی شهروندی به باهمستان قومی و دینی ارتباطی ندارد. در قانون اساسی آمریکا شهروند فارغ از تعلقات قومی و دینی به رسمیت شناخته شده. انسان تنها با وجود قلمرو عمومی شهروند می‌شود. شهروند مشارکت‌گر و تکوین فرهنگ سیاسی دموکراتیک

Maurizio Passerin d'Entrèves, *The Political Philosophy of Hannah Arendt*,  
London, Routledge, 1993, Chapter 4, *Hannah Arendt's Conception of Citizenship*"

# فرهنگ سیاسی



مجموعه‌ای از رویکردها، باورها و احساساتی که به فرایندی سیاسی معنا و نظم می‌دهند و تعیین‌کننده‌ی پیش‌فرض‌ها و قواعد حاکم بر نظام سیاسی هستند.

فرهنگ سیاسی تبلور ابعاد روانی و سوژکتیو سیاست است؛ و فرآورده‌ی تاریخ سیستمی سیاسی و نیز تاریخ اعضای آن است. بدین روی، فرهنگ سیاسی هم در رویدادهای سیاسی ریشه دارد هم در تجربه‌ی شخصی.

## حقوق معنوی

- اختصاص - این مطلب به پروژه توانا مربوط به سازمان
- E-Collaborative for Civic Education اختصاص دارد و استفاده از آن می بایست با ذکر نام سازمان تهیه کننده انجام شود.
- غیر تجاری - این مطلب برای استفاده های غیر تجاری می باشد و برای هیچ گونه منفعتی بهره برداری نخواهد شد.
- اشتراک - اگر می خواهید هر گونه تغییری در مطلب وارد کنید، شما می توانید حاصل کار را تنها تحت مجوز E-Collaborative for Civic Education منتشر کنید و برای ایجاد بدنه اصلی اطلاعات، این تغییرات را باید با
- E-Collaborative for Civic Education به اشتراک گذارید.

